



شهید
عماد هرمزی

از دریادلان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نابان یکم ناوشکن دنا که در حمله موشکی آمریکایی-صهیونی به ناوشکن دنا در اسفند ۱۴۰۴ به شهادت رسید.

ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی



صدای ایران

روزنامه اینترنتی
KHAMENEI.IR
دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۵

رسانه رهبر انقلاب
@Rahbarenghelab_

این را همه باید بدانند
باذن الله تعالی ما حتماً
مدیریت تنگه هرمز را
به مرحله جدیدی وارد
خواهیم نمود. ۱۴۰۵/۱/۲۰

نگاهی به ضرورت بازتعریف حاکمیت ایران بر گلوگاه راهبردی انرژی جهان

یک تنگه و سه میدان



سرمقاله

یکی از مهم‌ترین مراحل جنگ چهل‌روزه اخیر، اعمال مدیریت جدی ایران بر تنگه هرمز بود. این مسئله فرصتی فراهم کرد که ایران به صورت جدی‌تر نسبت به مدیریت این آبراه مهم بیندیشد. تنگه هرمز فقط یک گذرگاه آبی باریک در نقشه جغرافیا نیست؛ یکی از معدود نقاطی در جهان است که وزن آن در معادلات انرژی، امنیت و سیاست بین‌الملل از مرزهای منطقه‌ای فراتر می‌رود. روزانه حدود ۲۰ تا ۲۱ درصد نفت جهان و حدود ۲۰ درصد گاز طبیعی مایع (LNG) جهان از این تنگه عبور می‌کند و همین واقعیت کافی است تا آن را به یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی تبدیل کند. هرگونه تغییر در وضعیت این تنگه، به سرعت در بازارهای جهانی انرژی، محاسبات امنیتی قدرت‌های بزرگ و حتی رفتار دیپلماتیک دولت‌ها بازتاب پیدا می‌کند.

امادر کنار این اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی، یک واقعیت حقوقی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد: تنگه هرمز در محدوده آب‌های سرزمینی و صلاحیت حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و این موضوع در چارچوب حقوق بین‌الملل قابل صورت‌بندی و استناد است. بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنودر حقوق دریاها و نیز کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اصل «عبور بی‌ضرر» برای کشتی‌های خارجی به رسمیت شناخته شده است،

اما این اصل مطلق و بدون قید نیست. در مواد ۱۴ تا ۱۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو تصریح شده است که اگرچه کشتی‌های همه کشورها حق عبور از دریای ساحلی را دارند، اما این عبور تنها تا زمانی «بی‌ضرر» تلقی می‌شود که به صلح، نظم و امنیت کشور ساحلی لطمه نزند. نکته کلیدی دقیقاً همین جاست: تشخیص ماهیت «بی‌ضرر بودن» عبور، در صلاحیت کشور ساحلی قرار دارد. به بیان روشن‌تر، این کشور ساحلی است که تعیین می‌کند چه نوع عبوری می‌تواند تهدیدکننده امنیت ملی باشد. در بندهای بعدی همین کنوانسیون نیز آمده است که کشور ساحلی می‌تواند در صورت لزوم، برای جلوگیری از عبورهای غیربی‌ضرر اقدام کند و حتی در شرایطی، عبور و مرور کشتی‌های خارجی را به طور موقت و بدون تبعیض متوقف سازد. همین اصول در کنوانسیون ۱۹۸۲ جامائیکا نیز با ادبیاتی گسترده‌تر و ساختاری دقیق‌تر تکرار شده است. بنابراین، از منظر حقوق بین‌الملل، حاکمیت و نظارت ایران بر تنگه هرمز یک ظرفیت حقوقی قابل اتکا در چارچوب قواعد موجود است.

بر این اساس، «مدیریت تنگه هرمز» را باید نه به معنای انحصارگرایی یا بستن مسیر، بلکه به مثابه اعمال حاکمیت تنظیم‌گرانه بر یکی از حساس‌ترین آبراه‌های جهان فهم کرد؛ مفهومی که در حقوق دریاها

نیز سابقه دارد و بسیاری از کشورهای ساحلی در نقاط دیگر جهان آن را اعمال می‌کنند. در چنین چارچوبی، اهمیت راهبردی مدیریت تنگه هرمز برای ایران را می‌توان در سه سطح اصلی تحلیل کرد: نخست، جنبه اقتصادی است. کنترل و مدیریت عبور و مرور در یک شاهراه انرژی جهانی، به طور طبیعی ظرفیت‌های درآمدی و تنظیم‌گری قابل توجهی ایجاد می‌کند. اعمال سازوکارهای خدماتی، ایمنی دریانوردی، بیمه، امداد دریایی یا حتی تعرفه‌های مشخص بر خدمات عبوری، می‌تواند به منبعی پایدار برای درآمد و تقویت اقتصاد دریایی کشور تبدیل شود. مهم‌تر از آن، چنین موقعیتی ایران را از یک بازیگر صرفاً تولیدکننده انرژی، به یک «مرکز تنظیم‌گر در زنجیره انرژی جهانی» ارتقا می‌دهد.

دوم، بُعد امنیتی است. تنگه هرمز تنها یک مسیر عبور کالا نیست، بلکه یک ابزار قدرت در معادلات بازدارندگی منطقه‌ای است. کشوری که بر این گذرگاه اشراف حقوقی و عملیاتی دارد، می‌تواند در معادلات امنیتی پیرامونی خود نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند و در صورت لزوم، قواعد بازی را بازنویسی کند. این به معنای استفاده مسئولانه از یک ظرفیت ژئوپلیتیکی برای جلوگیری از تهدیدات و افزایش هزینه اقدامات خصمانه علیه

منافع ملی است. سوم، بُعد سیاسی و دیپلماتیک است. کنترل یک آبراه بین‌المللی، به صورت طبیعی یک اهرم چانه‌زنی در مذاکرات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد می‌کند. ایران می‌تواند از این موقعیت برای شکل‌دهی به گفت‌وگوهای چندجانبه، تنظیم روابط با کشورهای مصرف‌کننده انرژی و حتی تعریف چارچوب‌های همکاری امنیت دریایی استفاده کند. به بیان دیگر، تنگه هرمز می‌تواند از یک نقطه تنش بالقوه، به یک بستر تولید توافق و تعامل سیاسی تبدیل شود.

در نهایت، باید تأکید کرد که مدیریت تنگه هرمز برای ایران یک مسئله کاملاً راهبردی است. با این حال، آنچه اهمیت دارد، طراحی سازوکارهای دقیق، حقوقی، فنی و دیپلماتیک برای اعمال این مدیریت است. اینکه این سازوکار چگونه تعریف شود، چه حدودی داشته باشد و چگونه با منافع منطقه‌ای و بین‌المللی توازن ایجاد کند، نیازمند کارشناسی عمیق و چندلایه است. آنچه مسلم است، تنگه هرمز در دهه پیش رو بیش از گذشته به نقطه تمرکز رقابت قدرت‌ها تبدیل خواهد شد و در چنین شرایطی، ایران به عنوان کشور ساحلی اصلی این آبراه، ناگزیر است نقش خود را با اتکا به حقوق بین‌الملل و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی بازتعریف و تثبیت کند. ■



مامان، می‌دونی واسه جشن روز دختر با مدرسه می‌ریم همه دیدار رهبر؟ میناب تا تهران، که گفتم خیلی راهه! ما زود رسیدیم، راه ما خیلی کوتاهه. اینجا حیاطش مثل پارکه، باغ‌داره، خانوم فرشته بستنی واسم میاره، اصلاً برای تاب خوردن صف نمی‌خواد،

وقتی بیفتی روی زانوت خون نمیداد، راستی، یادت هس قول چی روداده بودی؟ برچسب و عینک گلدار دودی. اینجا پراز برچسب و کلی چیز دیگه‌ست، صد تا عروسک با لباس صورتی هست، راستی، پیش آقا نماز اومومی خونم، بعد از نماز هرچقد خواستم می‌مونم.

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی
خطاب به رهبر شهید
انقلاب اسلامی

جنگ منطقه‌ای

جنگ چهل‌روزه و اقتصاد زخمی آمریکا

یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ چهل‌روزه، فشار اقتصادی به آمریکا بود. فایننشال تایمز در گزارشی نوشته: «جنگ با ایران تورم در آمریکا را تشدید می‌کند و باعث می‌شود تبعات اقتصادی آن تا بعد از پایان یافتن جنگ نیز ادامه پیدا کند... تأثیرات تورم برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت و به آمریکایی‌ها قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای فشار خواهد آورد. شوک قیمت‌ها از ابتدای جنگ ایران در اواخر فوریه آغاز شد و هنوز ادامه دارد.» جنگ چهل‌روزه، آن‌گونه که درواشنگتن تصور می‌شد، یک عملیات کوتاه با دستاوردهای سریع نبود؛ بلکه به یک شوک اقتصادی فرسایشی برای آمریکا تبدیل شد. روایت رسانه‌های آمریکایی نشان می‌دهد که این جنگ، در نقطه‌ای به اقتصاد آمریکا ضربه زد که هنوز از چرخه تورمی سال‌های اخیر خارج نشده بود. افزایش بهای انرژی، اختلال در زنجیره تأمین و جهش هزینه‌های حمل‌ونقل، عملاً فشار تورمی را به زندگی روزمره آمریکایی‌ها بازگرداند. اشتباه محاسباتی اصلی، نادیده گرفتن «زمان ماندگاری بحران» بود؛ جنگ تمام می‌شود، اما انتظارات تورمی باقی می‌ماند. بازارها به سرعت به شوک پاسخ می‌دهند، اما بازگشت اعتماد، ماه‌ها زمان می‌برد. این جنگ نه تنها دستاورد سیاسی برای ترامپ خلق نکرد، بلکه هزینه‌ای مستقیم به جیب رأی‌دهندگان آمریکایی تحمیل کرد.

قاب

از طریق الحسین (ع) تا خیابان‌های ایران

موکب‌های عراقی در تجمعات این شب‌ها در ایران حضور دارند و مانند ایام اربعین ابا عبدالله الحسین (ع)، به پذیرایی از مردم می‌پردازند. این مسئله نشان‌دهنده عمق همبستگی بین مردم ایران و عراق است.



اطلاعیه‌ی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب

با عروج ملکوتی قائد شهید امت و پیشوا و مراد ملت ایران، امواج بی‌شماری از ابراز محبت مردم مجاهد ایران و دیگر پیروان و دلباختگان این رهبر بزرگ در اقصی نقاط جهان شکل گرفته است و افراد و جمعیت‌های مختلف هر کدام به شیوه‌ای این علاقه و محبت را ابراز می‌کنند.

ضمن احترام به این ابراز ارادت‌ها به استحضار مسئولان و مردم شریف و علاقه‌مندان به رهبر شهید می‌رساند:

- در زمینه‌ی زنده نگه‌داشتن نام و یاد حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای (ع) خصوصاً نام‌گذاری اماکن، معابر و... لازم است قبل از هرگونه نام‌گذاری به نام ایشان و سایر شهدای خانواده‌ی آن امام شهید از سوی مراکز یا نهادها با این دفتر هماهنگی صورت پذیرد و از اقدامات شتابزده خودداری شود.
- این دفتر در راستای رسالت خود در زمینه‌ی فعالیت‌های پژوهشی، تبلیغی و ترویجی مرتبط با ایشان همچون گذشته کمک‌های فرهنگی و فکری خود را در اختیار فعالان و دغدغه‌مندان این عرصه خواهد گذاشت. همچنین نظر به اهمیت اتقان مطالب مرتبط و نیز برای حفظ و صیانت از شأن و شخصیت ایشان، محصولات مختلف فرهنگی، هنری در این دفتر بررسی و با پدیدآورندگان آثار همکاری خواهد شد.